

ساخت و اعتباریابی مقیاس الگوهای ارتباطی زوجین با نگرش به منابع اسلامی

m.sanagoueizadeh@isca.ac.ir

hadi202021@gmail.com

o.etemadi@ui.ac.ir

محمد ثناگوی زاده / استادیار گروه مطالعات خانواده، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

اصغر هادی / استادیار گروه اخلاق اجتماعی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

عذری اعتمادی / دانشیار گروه مشاوره، دانشگاه اصفهان

دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۲۶ - پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۱۷

چکیده

این پژوهش، با هدف ساخت و اعتباریابی مقیاس الگوهای ارتباطی زوجین، با نگرش به منابع اسلامی انجام شد. بدین منظور، با استفاده از روش ترکیبی کیفی و کمی، ابتدا مضامین مرتبط با الگوهای ارتباطی زوجین استخراج و سپس، با استفاده از روایی، محتوایی و روایی سازه آن تدوین و اعتباریابی گردید. جامعه آماری پژوهش، عبارت بود از: زوجین شهر اصفهان که با روش نمونه‌گیری در دسترس از مراکز مشاوره و مراکز آموزشی انتخاب شدند. یافته‌های پژوهش حاکی از وجود دو فرم الگوهای ارتباطی زوجین برای مردان و زنان بود. فرم زنان، با ۳۴ سؤال و فرم مردان با ۳۸ سؤال ساخته شد. تحلیل عاملی اکتشافی نشان داد که برای هر دو فرم، هفت عامل قابل شناسایی است که به ترتیب، برای زنان ۸۵ درصد و برای مردان در مجموع، ۸۶ درصد واریانس نمره کل آزمون را تبیین نمود. ضریب آلفای کرونباخ برای هر دو فرم، بالای ۹۰ درصد بود که حاکی از اعتبار بالای آن است. این مقیاس برای فعالیت‌های حرفه‌ای، و تشخیصی و پژوهشی کاربرد دارد.

کلیدواژه‌ها: الگوهای ارتباطی، زوجین، مقیاس، اعتباریابی، اسلام.

مقدمه

یکی از موضوعات مهمی که در روان‌شناسی ازدواج مورد توجه روان‌شناسان قرار گرفته است، الگوهای ارتباطی زوجین است. الگوهای ارتباطی زوجین، به نوع تعامل آنها برمی‌گردد. وقتی ارتباط بین همسران در چرخه ارتباطی بین همدیگر تکرار شود، گویی از روابط را زوجین برقرار می‌سازند که زمینه‌ساز پویایی روابط آنها خواهد شد. زوج‌درمانگران به دنبال شناسایی این الگو می‌باشند تا با شناخت آن، به ماهیت روابط زوجین دسترسی پیدا کرده، با مداخله نمودن بر آن، در تغییر الگوی ارتباطی ناسالم به سالم اقدام نمایند (سالووی و کریستینسن، ۱۹۸۳؛ گاتمن، ۲۰۱۴، ص ۲۵-۶۰).

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که الگوهای ارتباطی زوجین، تعیین‌کننده رضایت زناشویی (فورنیر و همکاران، ۲۰۱۱؛ اسپچمیت و همکاران، ۲۰۰۷؛ ویجر، ۲۰۰۵؛ گاتمن و کرافف، ۱۹۸۹؛ شناگویی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰)، سلامت روان (بران، و همکاران، ۲۰۱۰؛ اسمیت و دیگران، ۲۰۰۷؛ گالفر و تامپسون و دیگران، ۲۰۰۱؛ شاملی و سیار، ۱۳۹۳)، تعارضات زناشویی (لیدرمن و همکاران، ۲۰۱۰؛ کتر و گاتمن، ۱۹۹۳؛ حمید و همکاران، ۱۳۹۷) و صمیمیت زناشویی (کورنیلوس و همکاران، ۲۰۱۰؛ فنی، ۱۹۹۴؛ اعتمادی و همکاران، ۱۳۹۴) است. بنابراین، در صورتی که زوجین دارای الگوهای ارتباطی سالم باشند، از رضایت زناشویی مطلوبی برخوردار بوده، توانایی حل تعارضات خود را دارند و روابط صمیمانه‌ای برقرار خواهند کرد (لیدرمن و همکاران، ۲۰۱۰؛ گاتمن و کرافف، ۱۹۸۹؛ شناگویی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱). از این رو الگوهای ارتباطی در روابط بین همسران، می‌تواند شاخصی برای کیفیت روابط زوجین باشد، به گونه‌ای که نقش واسطه‌ای الگوهای ارتباطی زوجین، در تعیین کارآمدی و پایداری روابط زوجین، از موارد مهمی است که در پژوهش‌ها مشاهده می‌شود؛ برخی پژوهش‌ها، به واسطه الگوهای ارتباطی زوجین به پیش‌بینی طلاق در سال‌های آتی زندگی آنها می‌پردازند. برخی دیگر، به نقش واسطه‌ای الگوهای ارتباطی زوجین، بر کارآمدی یا ناکارآمدی روابط آنها، مانند تعارض در روابط، فقدان صمیمیت پرداخته‌اند (اعتمادی و همکاران، ۱۳۹۴؛ گاتمن، ۱۹۹۳؛ گاتمن، ۲۰۱۴، ص ۱۰-۲۰).

پژوهشگران الگوهای مختلفی از روابط زوجین را مورد بررسی و شناسایی قرار داده‌اند؛ *استوارت*، پنج الگوی ارتباطی ناکارآمد را بین روابط همسران تشخیص داد که عبارت است از: مبادله اجباری «Coercive»؛ کناره گیر «Withdrawal»؛ مبادله قصاصی «Retaliatory»؛ شکایت متقاطع «Cross complaining» سندرم خودمحوری در گفتار «Summarizing self syndrome» (استوارت، ۱۹۶۹). *استرین*، براساس دیدگاه روان‌پویایی، نه الگوی ارتباطی را مشخص کرد؛ الگوهای ارتباطی والد - کودک «Partner as superego»، همسر در نقش «خود» بی‌ارزش شده «Partner as a devaluated self image»، همسر در نقش «خود» ایده‌آل «Partner as ego ideal»، رابطه دوجانبه سلطه‌گری - تسلیم «Dominant-Submissive Dyad»، رابطه دوجانبه گسستگی - توقع «Detached-Demanding Dyad»، رابطه خیالی (رومانتیک) - منطقی «Romantic-Rational»، عشق بیمارگونه زن و سردی بیمارگونه مرد «Love-sick, Cold-sick»، همسر به‌عنوان والد «Partner as parren»، بالغ - بالغ (اسچمالینگ و جکوبسن، ۱۹۸۸).

گاتمن، زوج‌ها را به پنج دسته تقسیم می‌کند که دو دسته را زوجینی بی‌ثبات و سه دسته دیگر را زوجین با ثبات می‌نامد. او دو دسته زوج ناپایدار را به ترتیب، زوجین متخاصم و زوجین مستقل متخاصم نام‌گذاری کرده است. نرخ بالای درگیری، تعارض و منفی‌نگری (اهانت، تنفر، ذهن خوانی، دفاعی بودن، سرسختی) و نرخ پایین تقویت مثبت (علاقه و همدلی)، مشخصه این دسته از زوج‌هاست. سه دسته زوجین پایدار، عبارتند از: تصدیق‌کننده‌ها «Validator»، دمدمی مزاج‌ها «Androgynous»، اجتنابی‌ها «Avoidant» (کار، ۲۰۱۲؛ گاتمن، ۱۹۹۳). *فاورز، مونتل و السون*، در یک پژوهش طولی الگوهای ارتباطی زوجین را به چهار دسته تقسیم کردند: زوجین سرزنده «Vitalized Couples»، زوجین سازگار «Harmonious Couples»، زوجین سنتی «Traditional Couples» و زوجین متعارض «Conflicted Couples» (فاورز و همکاران، ۱۹۹۶). براساس نظریه کریستسن و سالووی، الگوهای ارتباطی زوجین، به سه دسته تقسیم می‌شود که عبارت است از: الگوی سازنده متقابل، الگوی توقع / کناره‌گیری و الگوی اجتنابی متقابل (سالووی و کریستسن، ۱۹۸۳). ستیر نیز الگوهای ارتباطی پنج‌گانه را مشخص می‌کند که عبارت است از: سازشگر، سرزنشگر، حسابگر، گیج و همخوان (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۲۰۱۲، ص ۲۰۵-۱۹۳).

از سوی دیگر، اسلام، آموزه‌های متعدد و متنوعی را در حوزه روابط زوجین دارد. از زمانی که با هم ازدواج می‌کنند و مسئولیت همسری را می‌پذیرند، حقوقی را برای آنها وضع نموده برای روابطشان با همدیگر دستورالعمل‌ها و توصیه‌هایی دارد (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۰، ص ۱۸۹-۲۰۳). در همین راستا، *صفورایی پاریزی* (۱۳۸۸)، به ساخت و اعتباریابی پرسش‌نامه کارآمدی خانواده از دیدگاه اسلام پرداخت. این پرسش‌نامه، سه شاخص کارآمدی خانواده را که شامل شاخص‌های بینشی، اخلاقی و حقوقی است، می‌سنجد. *جدیری و جان‌بزرگی* (۱۳۸۸) نیز پرسش‌نامه رضایت زناشویی اسلامی را ساخته و اعتباریابی نمودند. این مقیاس ۱۰ خرده‌مقیاس، که شامل ارتباط کلامی، پابندی‌های مذهبی، حل تعارض، مدیریت مالی، روابط جنسی، فعالیت‌های اوقات فراغت، مسائل شخصیتی، فرزندان و فرزندپروری، نقش زن و مرد، صله ارحام را می‌سنجد. در مطالعه‌های دیگر، باورهای منطقی زوجین براساس منابع اسلامی ساخت و اعتباریابی شد. براین اساس، باورهای منطقی زوجین شامل باورهای معیشتی، جنسی، ارتباطی، حل تعارض و حمایتی بود (صادقی سرشت و همکاران، ۱۳۹۴). با مطالعه پژوهش‌های متخلف، پژوهشی که الگوهای ارتباطی زوجین را با نگرش به منابع اسلامی به صورت روشمند مورد مطالعه قرار دهد، یافت نشد.

مطالعه جامعه علمی در حوزه علوم انسانی، این است که علوم انسانی، مبتنی بر اسلام و مبانی و منابع آن طراحی شود. بنابراین، ضروری است که پژوهش‌هایی در این خصوص انجام شود تا به تدریج، نظریه‌های علوم انسانی بر پایه اسلام شکل گیرد. همچنین به اذعان نظریه‌پردازان روان‌شناسی، روان‌شناسی علمی است میان فرهنگی، که فرهنگ‌های مختلف می‌تواند در شناخت، توصیف و تبیین پدیده‌های روانشناختی متفاوت باشد. از این رو مطالعات درباره الگوهای ارتباطی زوجین، مبتنی بر نظریه‌های غربی، بر پایه فرهنگ آنهاست روشن است که فرهنگ خانواده‌های غربی، با خانواده‌های مسلمان متفاوت است و به دنبال آن، انتظارات و روابطشان نیز متفاوت خواهد بود (دود، ۲۰۰۶؛ دوایری، ۲۰۰۶). بنابراین، ضروری

است که برای شناخت الگوهای ارتباطی زوجین در فرهنگ اسلامی، به شناخت، توصیف و تبیین این الگوها، با پشتوانه فرهنگ دینی پرداخت. از این رو سؤال اصلی پژوهش این است که آیا براساس منابع اسلامی، می‌توان الگوهای ارتباطی زوجین را تشخیص داد و براساس آن مقیاسی تدوین نمود.

روش پژوهش

روش پژوهش به صورت ترکیبی از روش کیفی و کمی انجام شد. بدین منظور، در مرحله اول داده‌های کیفی، به روش سه‌سویه‌سازی از منابع اسلامی، مصاحبه با کارشناسان علوم اسلامی و مشاوران خانواده و زوجین، با روش تحلیل مضامین گردآوری و تحلیل شد. در مرحله دوم، که براساس نتایج مرحله اول بود، به گردآوری و تحلیل داده‌های کمی، برای ساخت پرسش‌نامه پرداخته شد. در نهایت، با ترکیب یافته‌های کیفی و کمی، الگوهای ارتباطی زوجین استخراج و تبیین شد. در بخش کیفی، عبارات دینی از قرآن و روایات استخراج شد. به منظور شناسایی منابع، نخست به آثار تخصصی، که به موضوع بندی و تحلیل روایات خانواده پرداخته‌اند، مراجعه شد و آیات و روایات آن استخراج گردید. این منابع عبارت بودند از: کتاب *رضایت زناشویی* (پسندیده، ۱۳۹۳)؛ *الاسرة فی رحاب القرآن والسنة* (عبدخدایی، ۱۴۲۹ق)؛ *تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث* (محمدی ری شهری، ۱۳۹۰)؛ *موسوعة المرأة فی الاخبار و الآثار* (جعفریان و مهریزی، ۱۳۹۱).

برای بررسی عمیق‌تر و روایی و اعتبارسنجی یافته‌های کیفی، از منابع اسلامی و انطباق آن با روابط فعلی زوجین، از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با متخصصان روان‌شناسی خانواده و اخلاق اسلامی و مصاحبه با زوجین استفاده شد. سؤالات مصاحبه براساس مقوله‌های مستخرج تدوین گردید. سؤالات مصاحبه با متخصصان شامل مؤلفه‌های کارآمدی در روابط زوجین، تفاوت‌های جنسیتی در روابط همسران، تفاوت‌های کارآمدی و پایداری در روابط زوجین، تمایز اسلام و روان‌شناسی درباره روابط زوجین، ملاک‌ها و معیارهای اخلاقی در روابط زوجین، رابطه بین حقوق و اخلاق اسلامی در روابط همسران بود. سؤالات مصاحبه از زوجین نیز عبارت بود از: نقش آموزه‌های اسلامی در بهبود روابط با همدیگر، مؤلفه‌های ناکارآمدی در روابط با همسر، مؤلفه‌های تعارضات مستمر در روابط با همدیگر.

عبارات به‌دست‌آمده در هر یک از مراحل سه‌گانه، با روش تحلیل مضامین کدگذاری و مقوله‌بندی شد. در نهایت، شبکه‌ای از مفاهیم به تعداد ۱۲۸ مفهوم، با چهار مضمون الگوهای ارتباطی پایدار و کارآمد مردان، الگوهای ارتباطی پایدار و کارآمد زنان کشف گردید. سپس، براساس این مفاهیم گویه‌هایی برای پرسش‌نامه الگوهای ارتباطی زوجین طراحی شد. در مرحله بعد، با روش کمی گویه‌های پرسش‌نامه تدوین، روایی و اعتبارسنجی گردید.

این مفاهیم در قالب دو فرم برای زنان، با ۳۸ گویه و برای مردان، با ۴۶ گویه تنظیم شد. هر دو فرم پرسش‌نامه، برای سنجش روایی محتوایی و صوری، در اختیار ۸ نفر از متخصصان علوم اسلامی و مشاوره خانواده قرار گرفت و از آنها خواسته شد نظر خود را نسبت به تناسب بین گویه موردنظر، با آیه و روایت و پرسش آن، براساس طیف لیکرت از

۱ تا ۷ نمره دهند؛ بدین معنا که نمره ۱ به معنای «اصلاً متناسب نیست» و نمره ۷ «کاملاً متناسب» است. همچنین علاوه بر محتوا، فرم هر عبارت را نیز مورد بررسی قرار داده و در صورتی که فرم ظاهری، عبارت قابل فهم نیست یا ابهام دارد، مشخص کنند. پس از اظهار نظر متخصصان، نظرات آنها بررسی شد. روایی محتوایی توسط شاخص‌های CVR و CVI، برای هر سؤالی مورد بررسی قرار گرفت و چون حداقل مقدار CVR قابل قبول برای هشت نفر، براساس جدول لاوشه ۰/۷۵ بود (حاجی‌زاده و اصغری، ۱۳۹۴، ص ۳۹۵-۴۵۱). از این رو سؤالاتی که مقدار ضریب آنها از این شاخص پایین‌تر بود، حذف گردید. همچنین حداقل مقدار قابل قبول برای CVI ۰/۷۹ بود که سؤالاتی که مقدار ضریب آنها از این شاخص پایین‌تر بود، حذف شد. سپس، پرسش‌نامه‌ها در میان ۱۰۰ نفر از زوجین توزیع شد و ضریب همبستگی داده‌های به‌دست‌آمده، با نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۴ مورد سنجش قرار گرفت. ضریب همبستگی گویه‌ها، با نمره کل محاسبه شد و گویه‌هایی که ضریب همبستگی آنها، با نمره کل معنادار نبود، حذف گردید. در نهایت، پس از سنجش روایی محتوایی و صورتی و انجام آزمایشی پرسش‌نامه، از پرسش‌نامه الگوهای ارتباطی فرم زنان، چهار گویه و از فرم مردان، هشت گویه حذف گردید. بنابراین، پرسش‌نامه فرم زنان با ۳۴ سؤال و پرسش‌نامه فرم مردان، با ۳۸ سؤال به‌عنوان پرسش‌نامه نهایی، وارد تحلیل شد و روایی سازه آن، مورد بررسی قرار گرفت.

جامعه آماری، گروه نمونه و اجرا

پرسش‌نامه‌های مزبور، بین ۵۰۰ نفر از زوجین متأهل توزیع گردید و از آنها خواسته شد تا به صورت داوطلبانه، به پرسش‌نامه‌ها پاسخ دهند. از مجموع پرسش‌نامه‌های توزیع‌شده، تعداد ۶۳ پرسش‌نامه به دست پژوهشگر رسید و تعداد ۲۹ پرسش‌نامه، از مجموع پرسش‌نامه‌های دریافت‌شده، پرسش‌نامه‌هایی بودند که ناقص بودند، بنابراین، داده‌های آن در تحلیل وارد نشدند، در نهایت تعداد ۴۰۸ پرسش‌نامه وارد تحلیل عاملی شد.

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی گروه نمونه برای زنان نشان داد که میانگین سنی آنان، $M=34$ سال با انحراف معیار $SD=\pm 7/3$ میانگین سن ازدواج آنان $M=11$ سال با انحراف معیار $SD=\pm 9$ بود. ۵۰ درصد افراد شرکت‌کنندگان سطح تحصیلاتشان دیپلم به بالا بود. در میان افراد شرکت‌کننده ۲۶ درصد بدون فرزند، ۲۹/۹ درصد یک فرزند، ۱۷/۶ درصد دو فرزند، ۲۰/۶ درصد سه فرزند و تنها ۵/۹ درصد چهار فرزند داشتند. ۶ درصد از زنان شرکت‌کننده در این پژوهش گزارش دادند که به فکر گرفتن طلاق از همسرشان بوده‌اند. همچنین ویژگی‌های جمعیت‌شناختی گروه نمونه برای مردان، نشان داد که میانگین سنی آنان $M=36$ سال با انحراف معیار $SD=\pm 9$ میانگین سن ازدواج آنان $M=11$ سال با انحراف معیار $SD=\pm 9$ بود. ۴۲ درصد افراد شرکت‌کننده دیپلم به بالا بود. در میان افراد شرکت‌کننده ۲۶ درصد بدون فرزند، ۳۱ درصد یک فرزند، ۱۸ درصد دو فرزند، ۱۹ درصد سه فرزند و ۶ درصد چهار فرزند داشتند. ۶ درصد از مردان شرکت‌کننده در این پژوهش، گزارش دادند که به فکر گرفتن طلاق از همسرشان بوده‌اند.

یافته‌های پژوهش

برای روایی سازه پرسش‌نامه‌ها، از روش تحلیل عاملی استفاده شد. پرسش‌نامه‌ها، با تحلیل عاملی اکتشافی مورد تحلیل قرار گرفتند. برای پرسش‌نامه فرم زنان، آزمون کیسز با ضریب ۰/۵۵۶ و آزمون کروی بودن بارتلت، با ضریب ۱۵۴۲/۸۷۵ با سطح معناداری $p < ۰/۰۰۰۱$ ، نشان از کفایت حجم نمونه و توان عاملی بودن داده‌ها داشت. تحلیل عاملی اکتشافی، با مقدار ویژه ۱ نشان داد که نه عامل قابل‌بازایی است. با توجه به بارهای عاملی و پراکندگی گویه‌ها برای عوامل نه‌گانه، پژوهشگر مقدار ویژه را از ۱ به ۱/۵ ارتقا دادند. بعد از افزایش مقدار ویژه و با چرخش واریماکس و با توجه به نمودار سنگریزه، هفت عامل در پرسش‌نامه قابل‌بازایی شد که در مجموع، ۸۵ درصد واریانس را تبیین می‌کرد. با درخواست ضریب ۰/۳ به بالا، بارهای عاملی هریک از گویه‌ها بر هفت عامل تعیین گردید. جدول ۱، بارهای عاملی بر هفت عامل را پس از چرخش واریماکس نشان می‌دهد.

جدول ۱: بارهای عاملی پرسش‌نامه الكوهای ارتباطی زوجین فرم زنان

ردیف	عنوان پرسش	بار (۱)	بار (۲)	بار (۳)	بار (۴)	بار (۵)	مسئولیت پذیری (۶)	رابطه جنسی (۷)
۱	در همه حال، به جز امر به گناه از شوهرم اطاعت می‌کنم.	۰/۸۸۸						
۲	اعتقاد دارم که اگر شوهرم از من راضی باشد، یعنی خداوند از من رضایت دارد.	۰/۹۰۰						
۳	در اموال شوهرم، بدون اجازه او تصرف نمی‌کنم.		۰/۶۱۶			۰/۷۰۲		
۴	تا به حال، به همسرم خیانت نکرده‌ام.	۰/۴۷۳				۰/۷۳۴	۰/۳۵۱	
۵	خود را برای شوهرم با عطر خوشبو می‌کنم.	۰/۶۶۴						۰/۳۰۹-
۶	خود را برای شوهرم آراسته می‌کنم.	۰/۶۸۶						۰/۳۴۵-
۷	وقتی همسرم تقاضای رابطه جنسی داشته باشد، تقاضای او را به تأخیر نمی‌اندازم.	۰/۷۹۵			۰/۴۷۳-			
۸	اعتقاد دارم اطاعت از شوهر، بالاترین حق بر گردن من است.	۰/۶۶۷						۰/۴۹۷
۹	در ارتباط با مردان بیگانه، رعایت عفت می‌کنم.	۰/۳۰۶	۰/۷۱۰			۰/۴۱۷		
۱۰	در گرفتاری‌ها به شوهرم دلداری می‌دهم.			۰/۸۹				
۱۱	خود را به زیبایی که موردنظر شوهرم است، آراسته می‌کنم.		۰/۷۴۸					
۱۲	هنگام ناراحتی شوهرم، از اعتقادات مذهبی برای آرامش او کمک می‌گیرم.	۰/۸۶۷						
۱۳	یار و یاور او در امور دنیوی و اخروی هستم.		۰/۷۱۷				۰/۵۴۴	
۱۴	در برابر آزار شوهرم، صبور هستم.	۰/۵۱۵						۰/۶۳۳
۱۵	اجازه نمی‌دهم خانواده‌ام در روابط من با شوهرم دخالت کنند.	۰/۶۱۹						۰/۶۸۶
۱۶	شوهرم را شاد می‌کنم.	۰/۳۴۶		۰/۷۴۸				
۱۷	اگر به شوهرم قولی داده باشم، به آن پایبند هستم.	۰/۴۲۲	۰/۴۷۴				۰/۵۹۳	
۱۸	روابط جنسی من با شوهرم، جزء رازهای من است.		۰/۷۵۹					۰/۴۷۴
۱۹	شکایت از همسرم را به دیگری نمی‌گویم.	۰/۸۲۳		۰/۳۴۸				
۲۰	به توصیف زنان دیگر، برای شوهرم نمی‌پردازم.	۰/۴۲۱				۰/۸۳۶		

۲۱	من بدون اسراف و تذبذب برای خود و خانواده خرج می‌کنم.	۰/۸۳۹		۰/۳۰۹			
۲۲	من و شوهرم اوقاتی از روز را (برای غذا خوردن یا غیر آن) کنار هم می‌نشینیم.	۰/۴۵۷		۰/۳۱۱	۰/۶۴۷		
۲۳	شوهرم را بر آنچه قدرت ندارد، تحمیل نمی‌کنم.	۰/۷۸۲	۰/۴۴۵				
۲۴	خطاهای شوهرم را می‌بخشیم.	۰/۸۸۶					
۲۵	کاستی‌های شوهرم را نادیده می‌گیرم.	۰/۸۴۲	۰/۳۳۴				
۲۶	با شوهرم همراه و سازگار هستم.	۰/۸۰۳	۰/۴۵۵				
۲۷	معتقد هستم جهاد زن، خوب شوهرداری کردن است	۰/۵۹۸	۰/۵۶۸			۰/۴۰۱	
۲۸	معتقد هستم اگر زنی خود را بی نیاز از شوهرش بداند، رحمت خداوند شامل حال او نمی‌شود.	۰/۶۷۳	۰/۴۴۹			۰/۴۷۳	
۲۹	در رابطه با شوهرم، فردی شکور و راضی هستم.	۰/۸۸۵					
۳۰	برای شوهرم دلسوز و مهربان هستم.	۰/۶۵۷	۰/۶۷۰				
۳۱	من مانع روابط جنسی با شوهرم نیستم.						۰/۹۱۶
۳۲	معتقد هستم زن در روابط جنسی با شوهرش، نباید حیا بورزد.		۰/۴۶۵				
۳۳	حقوقی که از جانب خداوند نسبت به همسرم به گردنم است، ضایع نمی‌کنم.	۰/۸۵۷					
۳۴	اعتقاد دارم که زن و مرد هر دو، در برابر خانواده مسئول هستند						۰/۸۲۲

براساس جدول (۱)، گویه‌ها در هفت عامل براساس بیشترین بار عاملی و بیشترین تناسبی که با عامل مربوط داشتند، جای گرفتند. این عوامل عبارتند از: «جنابیت» با گویه‌های ۵، ۶، ۷، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۹، ۲۱، ۲۴، ۲۹؛ «سازگاری» با گویه‌های ۱، ۲، ۳، ۲۳، ۲۵، ۲۶، ۲۸، ۲۹؛ «اولویت‌بخشی به حقوق همسر» با گویه‌های ۱۱، ۲۷، ۳۲؛ «همدلی» با گویه‌های ۱۰، ۱۶ و ۳۰؛ «وفاداری» با گویه‌های ۳، ۴، ۹، ۲۰، ۲۲؛ «مسئولیت‌پذیری» با گویه‌های ۱۳، ۱۷ و ۳۴؛ «رابطه جنسی» با گویه‌های ۸، ۱۸ و ۳۱.

ضریب آلفای کرونباخ برای فرم زنان برای اعتبار درونی با $\alpha = 0.704$ و تعداد گویه ۳۴ برابر با 0.916 به دست آمد که نشان‌دهنده اعتبار درونی پرسش‌نامه است. همچنین با دو نیمه‌سازی آزمون، آلفای کرونباخ برای نیمه اول، برابر 0.798 و برای نیمه دوم، برابر 0.878 و ضریب همبستگی بین دو نیمه، برابر 0.883 و ضریب اسپیرمن براون برای هر دو نیمه، برابر با 0.938 و ضریب گاتمن، برابر با 0.736 به دست آمد که بیانگر اعتبار مطلوب پرسش‌نامه و همسانی درونی آن است. ضریب آلفای کرونباخ، برای عوامل هفت گانه عبارت بود از: جنابیت با ۱۰ گویه برابر 0.873 ؛ سازگاری با ۷ گویه برابر 0.906 ؛ اولویت‌بخشی به حقوق شوهر، با ۳ گویه برابر 0.472 ؛ همدلی با ۳ گویه برابر 0.886 ؛ وفاداری با ۵ گویه برابر 0.844 ؛ مسئولیت‌پذیری با ۳ گویه برابر 0.767 ؛ رابطه جنسی، با ۳ گویه برابر 0.722 .

برای فرم مردان، ابتدا تحلیل عاملی اکتشافی با $\alpha = 0.704$ انجام شد. آزمون کیسِر، با ضریب 0.707 و آزمون کروی بودن بارتلت، با ضریب $0.733/0.7$ سطح معناداری $p < 0.001$ ، نشان از کفایت حجم نمونه و توان عاملی بودن داده‌ها داشت. مقدار ویژه ۱، حاکی از وجود هشت عامل بود که پس از ارتقا ویژه، به $1/5$ با چرخش واریماکس و با توجه به نمودار سنگریزه هفت عامل در پرسش‌نامه، قابل‌بازایی شد که در مجموع، ۸۶ درصد واریانس را تبیین کرد. با درخواست ضریب 0.3 به بالا، بارهای عاملی هریک از گویه‌ها بر هفت عامل تعیین گردید. جدول (۲)، بارهای عاملی بر هفت عامل را پس از چرخش واریماکس نشان می‌دهد.

جدول ۲: بارهای عاملی گویه‌های پرسش‌نامه الگوهای ارتباطی زوجین فرم مردان

ردیف	عنوان پرسش	پژوهی از استنباط‌آوری (۱)	مشارکت وزنی (۲)	معانرت نیک (۳)	مهرورزی (۴)	مدار‌آوری (۵)	پرهیز از ارتباط بد (۶)	دوستاری (۷)
۱	معتقدم که همسرم امانت الهی است.		۰/۴۱۱	۰/۳۱۸				۰/۷۸۱
۲	کار کردن برای همسرم را بی‌پهوده نمی‌دانم.		۰/۷۷۷					۰/۳۶۳
۳	اعتقاد دارم که همسرم مایه آرامش من است.			۰/۴۳۹		۰/۸۰۵		
۴	اعتقاد دارم که همسرم یک نعمت الهی به من است.		۰/۸۸۵					
۵	مخارج زندگی شامل خوراکی‌ها، پوشاک و مسکن را برای همسرم تهیه کرده‌ام.					۰/۹۳۶		
۶	به خاطر خطایی که همسرم مرتکب شده‌است، او را بخشیده‌ام						۰/۸۵۵	
۷	نسبت به همسرم ترش‌رویی نمی‌کنم.	۰/۸۵۴						۰/۳۲۴
۸	حقوقی که از جانب خداوند نسبت به همسرم به گردنم است، ضایع نمی‌کنم.		۰/۵۳۷	۰/۷۲۰				
۹	با همسرم با مدارا رفتار می‌کنم.			۰/۵۴۱		۰/۵۹۰		
۱۰	به همسرم اهانت نکرده‌ام.	۰/۴۷۷				۰/۳۳۹	۰/۵۸۰	
۱۱	به صورت مهربان و دلسوزانه، با او رفتار کرده‌ام.			۰/۳۲۴	۰/۶۹۶			۰/۳۰۱
۱۲	همسرم را نسبت به فعالیتی مجبور نکرده‌ام.	۰/۷۹۴			۰/۳۹۶			
۱۳	به گونه‌ای رفتار نکرده‌ام که او را به خشم در آورم.	۰/۵۶۵					۰/۶۲۴	
۱۴	بدون اجازه او، در اموالش تصرف نکرده‌ام.	۰/۷۶۰			۰/۳۱۲			۰/۳۸۱
۱۵	در مسائل مختلف، با همسرم توافق دارم.			۰/۶۹۳		۰/۴۳۵		
۱۶	با همسرم با خوش خلقی رفتار می‌کنم.	۰/۳۶۶	۰/۵۴۹		۰/۴۵۰			۰/۳۶۴
۱۷	به همسرم ضرر مادی نکرده‌ام.	۰/۸۶۵					۰/۳۷۶	
۱۸	با همسرم به صورت نیکو معاشرت می‌کنم.	۰/۶۴۹	۰/۶۶۹					
۱۹	همسرم را به خاطر آنکه مالش را در اختیار من قرار دهد، تحت فشار قرار نداده‌ام.	۰/۹۵۰						
۲۰	به همسرم خدمت می‌کنم.				۰/۷۵۲			۰/۴۳۹
۲۱	در انجام امور خانه، با همسرم مشارکت می‌کنم.		۰/۷۲۰		۰/۵۶۸			
۲۲	همسرم را مورد کتک قرار نداده‌ام.	۰/۸۳۰						۰/۳۵۰
۲۳	به همسرم غیرت نایجا نداشته‌ام.	۰/۴۳۶						
۲۴	همسرم را مورد تحقیر قرار نداده‌ام.	۰/۴۴۰					۰/۶۲۸	۰/۴۱۶
۲۵	برای اینکه همسرم شاد شود، برای او خرید می‌کنم.			۰/۸۸۴				
۲۶	رابطه جنسی و همبستری با همسرم دارم.			۰/۸۵۱				
۲۷	نسبت به همسرم، غیرت نایجا دارم.	۰/۵۵۹				۰/۵۶۷		
۲۸	شکایت از همسرم را به فرد دیگری نمی‌گویم.	۰/۹۲۳	۰/۳۱۳					
۲۹	از همسرم درباره اموری که می‌تواند عفت او را به خطر بیندازد، اطاعت می‌کنم.	۰/۷۵۲-					۰/۴۴۱-	

ساخت و اعتباریابی مقیاس الگوهای ارتباطی زوجین با نگرش به منابع اسلامی ◇ ۳۷

۳۰	بدون اسراف برای همسرم خرج کرده‌ام.	۰/۳۸۰					
۳۱	اعتقاد دارم رفتن به خانه و در کنار همسرم بودن، مانند آن است که به مسجد بروم.	۰/۴۰۷	۰/۷۶۱				
۳۲	در انجام امور معنوی مانند؛ واجبات یا مستحبات، به همسرم کمک می‌کنم.	۰/۸۰۷	۰/۳۳۲	۰/۳۸۲			
۳۳	معمولاً برای عافیت و آموزش همسرم، از خداوند طلب خبر می‌کنم.	۰/۸۴۹					
۳۴	بدزبانی همسرم را تحمل می‌کنم.					۰/۷۸۰	
۳۵	اعتقاد دارم هر چه با همسرم رابطه خوبی داشته باشم، به خداوند بیشتر نزدیک می‌شوم (تقرب می‌جویم).	۰/۶۴۴	۰/۶۱۵				
۳۶	همسرم را دوست دارم.	۰/۴۱۸	۰/۳۵۲	۰/۶۹۱			
۳۷	محبتم به همسرم را به او ابراز می‌کنم.	۰/۹۲۰					
۳۸	بخشی از درآمد خود را برای آینده پس انداز می‌کنم.		۰/۸۲۸				

براساس جدول (۲)، گویه‌ها در عاملی که بیشترین بار عاملی و بهترین تناسب را با آن عامل داشتند، قرار گرفتند. در ادامه، هفت عامل نام‌گذاری شده و گویه‌های آن تعیین گردید که عبارت‌اند از: پرهیز از استبدادورزی با گویه‌های ۱۲، ۱۴، ۱۷، ۱۹، ۲۲، ۲۳، ۲۷، ۲۸، ۲۹؛ مشارکت در امور مادی و معنوی، با گویه‌های ۲، ۴، ۲۱، ۳۲، ۳۳؛ معاشرت نیک با گویه‌های ۸، ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۳۱، ۳۵، ۳۷؛ مهرورزی با گویه‌های ۱۱، ۲۰، ۲۵، ۲۶، ۳۸؛ مداراورزی با گویه‌های ۳، ۵، ۹؛ پرهیز از ارتباط بد با گویه‌های ۶، ۷، ۱۰، ۱۳، ۲۴، ۳۴؛ دوستداری همسر با گویه‌های ۱، ۳۰، ۳۶.

ضریب آلفای کرونباخ برای اعتبار درونی برای فرم مردان، با $n=204$ با تعداد گویه ۳۸ برابر با $0/920$ به دست آمد که بیانگر اعتبار درونی پرسش‌نامه است. همچنین با دو نیمه‌سازی آزمون، آلفای کرونباخ برای نیمه اول، برابر $0/879$ و برای نیمه دوم برابر $0/716$ و ضریب همبستگی بین دو نیمه، برابر $0/923$ و ضریب اسپیرمن براون، برای هر دو نیمه، برابر با $0/960$ و ضریب گاتمن برابر با $0/951$ به دست آمد که بیانگر اعتبار مطلوب پرسش‌نامه و همسانی درونی آن است. ضرایب آلفای کرونباخ برای عوامل هفت گانه عبارت بودند از: پرهیز از استبدادورزی، برابر $0/800$ ؛ مشارکت در امور مادی و معنوی، برابر $0/912$ ؛ معاشرت نیک، برابر $0/935$ ؛ مهرورزی، برابر $0/781$ ؛ مداراورزی، برابر $0/901$ ؛ پرهیز از ارتباط بد، برابر $0/865$ ؛ دوستداری همسر، برابر $0/639$.

براساس یافته‌های بخش کیفی پژوهش، دو مضمون اصلی از الگوهای ارتباطی زوجین، تحت عنوان «الگوهای ارتباطی پایدار» و «الگوهای ارتباطی کارآمد» استخراج شد. از این رو پس از تحلیل عاملی اکتشافی، بر روی عوامل هفت‌گانه مستخرج از پرسش‌نامه، فرم زنان و فرم مردان تحلیل عاملی مرتبه دوم انجام شد. نتایج برای فرم زنان، حاکی از آن بود که آزمون کیسر با ضریب $0/658$ و آزمون کروی بودن بارتلت، با ضریب $460/451$ با سطح معناداری $p < 0/001$ نشان از توان عاملی بودن داده‌ها داشت. نتایج برای پرسش‌نامه فرم مردان نیز حاکی از این بود که

آزمون کیسر با ضریب ۰/۷۱۲ و آزمون کروی بودن بارتلت، با ضریب ۷۶۰/۹۹۶ با سطح معناداری $p < ۰/۰۰۰۱$ ، نشان از توان عاملی بودن داده‌ها داشت. تحلیل عاملی مرتبه دوم، با مقدار ویژه ۱ و پس از چرخش واریماکس و با توجه به نمودار سنگریزه، نشان داد که برای هر دو فرم، دو عامل قابل بازیابی است که در مجموع، حدود ۶۱ درصد واریانس کل آزمون را تبیین می‌کند. جدول (۳)، بارهای عاملی هریک از عوامل مرتبه اول را بر دو عامل مرتبه دوم، پس از چرخش واریماکس، در دو فرم زنان و مردان نشان می‌دهد.

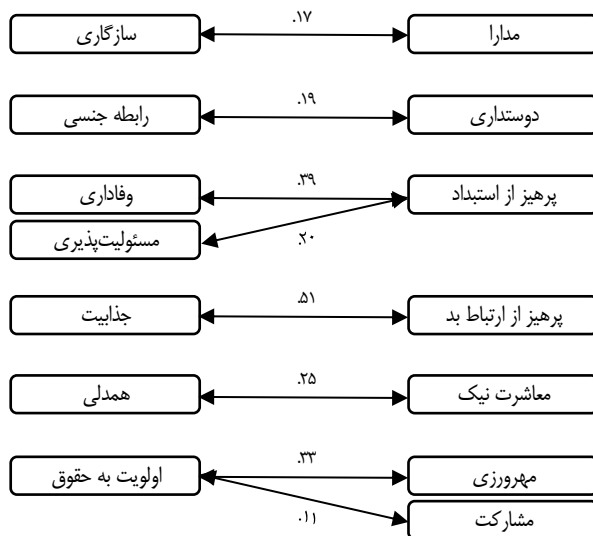
جدول ۳: بارهای عاملی عوامل هفت‌گانه بعد از تحلیل عاملی مرتبه دوم

عوامل هفت‌گانه	الگوهای ارتباطی پایدار (۱)	الگوهای ارتباطی کارآمد (۲)
سازگاری	۰/۹۸۱	
جذابیت	۰/۵۹۵	
وفاداری	۰/۴۲۳	
مسئولیت‌پذیری		۰/۹۹۳
همدلی	۰/۴۵۹	۰/۳۵۶
اولویت‌بخشی به حقوق		۰/۶۴۵
رابطه جنسی	۰/۴۹۱	
پرهیز از استبدادورزی	۰/۷۲۴	---
مشارکت در امور مادی و معنوی	---	۰/۷۶۱
معاشرت نیک	---	۰/۷۸۱
مهرورزی	---	۰/۴۱۸
مداراورزی	۰/۳۰۱	۰/۵۶۵
پرهیز از ارتباط بد	۰/۸۹۵	---
دوستداری همسر	۰/۶۱۲	۰/۳۵۳

ضرایب آلفای کرونباخ، عوامل مرتبه دوم برای فرم زنان عبارت بود از: الگوهای ارتباطی پایدار، با ۲۵ گویه برابر ۰/۹۱۷، و الگوهای ارتباطی کارآمد، با ۹ گویه برابر ۰/۸۰۱ و کل آزمون برابر ۰/۹۱۹. همچنین آلفای کرونباخ عوامل مرتبه دوم، برای فرم مردان شامل الگوهای ارتباطی پایدار با ۱۸ گویه، برابر ۰/۸۸۴ و الگوهای ارتباطی کارآمد، با ۲۰ گویه برابر ۰/۹۲۴ و کل آزمون برابر ۰/۹۰۹ به دست آمد که نشان از اعتبار درونی بالای عوامل و کل آزمون دارد.

ضریب همبستگی بین عوامل هفت‌گانه به‌دست‌آمده، از فرم‌های زنان و مردان، با استفاده از نرم‌افزار Amos نسخه ۸ نشان داد که عوامل هفت‌گانه زیر، که برحسب یافته‌های کیفی پژوهش، ارتباط مفهومی داشتند، در هر دو فرم در سطح $p < 0/01$ همبسته هستند. شکل (۱)، ضرایب همبستگی بین این عوامل را نشان می‌دهد. براساس نتایج مشاهده‌شده بین مدارا و سازگاری ۰/۱۷، دوستداری و رابطه جنسی ۰/۱۹، پرهیز از استبداد و وفاداری ۰/۳۹، پرهیز از استبداد و مسئولیت‌پذیری ۰/۲۰، پرهیز از ارتباط بد و جذابیت ۰/۵۱، معاشرت نیک و همدلی ۰/۲۵، مهرورزی و اولویت‌بخشی به حقوق شوهر، ۰/۳۳ و مشارکت در امور معنوی و مادی و اولویت‌بخشی به حقوق شوهر ۰/۱۱، همبستگی وجود دارد.

شکل ۱: ضرایب همبستگی بین عوامل هفت‌گانه فرم زنان و مردان



بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش، ساخت و اعتباریابی مقیاس الگوهای ارتباطی زوجین، با نگرش به منابع اسلامی بود. بدین منظور، ابتدا با یک مطالعه کیفی با روش سه‌سویه‌سازی، مقولات الگوهای ارتباطی زوجین، از متون اسلامی استخراج شد. سپس، بر پایه روش‌های کمی‌سازی، پرسش‌نامه الگوهای ارتباطی زوجین، در دو فرم زنان و مردان ساخت و اعتباریابی گردید. این پژوهش نشان داد که در اسلام، الگوهای ارتباطی همسران مؤلفه‌های متعددی دارد که با توجه به جنسیت آنان متفاوت است. از نگاه اسلام، زنان و مردان در روابط زناشویی با همدیگر، الگوهای ارتباطی متفاوتی دارند. از این رو دو پرسش‌نامه مستقل برای آنها طراحی گردید که تحلیل عاملی نیز نشان داد مؤلفه‌های پرسش‌نامه‌ها برای آنها، متفاوت است. الگوهای ارتباطی برای زنان، مبتنی بر پژوهش حاضر عبارت است از: سازگاری، وفاداری، مسئولیت‌پذیری و اولویت‌بخشی به حقوق شوهر، همدلی، رابطه جنسی و جذابیت؛ در حالی که الگوهای ارتباطی برای مردان، عبارت است از: پرهیز از ارتباط بد، دوستداری همسر و پرهیز از استبدادورزی، مداراورزی، مهرورزی، معاشرت نیک، مشارکت در امور معنوی و مادی.

اسلام برای رابطه بهتر میان زوجین، به هریک از همسران، توصیه‌های متفاوت و متناسب با جنسیت و نقش‌شان در خانواده مطرح می‌کند. اسلام برای زن، سازگاری، مطیع بودن نسبت به همسر و اولویت‌بخشی به حقوق شوهر نسبت به حقوق سایر اعضای خانواده پیشنهاد می‌کند. در روایت‌های متعددی است که سعادت زن را به اطاعت زن از شوهرش دانسته است (طرابلسی، ۱۴۱۰ق، ص ۶۳؛ مجلسی، ۱۹۸۳م، ج ۱۰۳، ص ۲۵۲). یا بهترین زنان را زنی

می‌داند که سازگار باشد؛ یعنی نرم‌خو بوده و رضایت همسرش را جلب نماید (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۵، ص ۳۲۵). بنابراین، توجه به حقوق شوهر از جانب زن، بالاترین حقی است که بر عهده زن می‌باشد (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۵، ص ۵۰۷). همچنین توجه به مسئولیت‌های یک زن در برابر شوهرش و وفادار بودن به همسرش، از اولویت‌هایی است که روایات دینی به آن اشاره کرده‌اند (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۲، ص ۳۳). چنان‌که از ویژگی‌های خوبی که برای زن به‌عنوان همسر در قرآن کریم معرفی شده است، صالح بودن، مطیع بودن و مراقبت داشتن از اموال و آبروی همسرش حتی در نبود اوست (نساء: ۳۴). درحالی‌که توصیه روایات دینی برای مردان، تأکید بر دوست داشتن همسر (نوری طبرسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۴، ص ۲۵۲)، پرهیز از استبدادورزی (همان)، و مجبور کردن و دوری از برقراری ارتباط با شیوه‌هایی مانند خشم و پرخاشگری (همان، ص ۲۵۰).

اسلام توصیه می‌کند مردان در روابط با همسرشان، در همه حال مدارا کنند (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۵۵۶)؛ زیرا جنسیت زن مانند یک گل لطیف است، با او معاشرت نیکو داشته باشند (نساء: ۱۹)؛ به او ابراز محبت نمایند (مجلسی، ۱۹۸۳م، ج ۱۰۰، ص ۲۲۶) و در زندگی با او، مانند یک شریک معنوی و مادی (نوری طبرسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۳، ص ۴۹) برخورد کنند و به او در همه این احوالات کمک کنند. درحالی‌که به زنان سفارش می‌کند، خود را برای شوهرانتان بیاریند (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۵، ص ۵۰۸)، خود را در اختیار آنان قرار دهند (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۴۴۲، ج ۴۵۳۶) و در گرفتاری‌ها و مشکلات زندگی، همراهی‌شان کنند (همان، ج ۴، ص ۱۶).

یافته‌های پژوهش نشان داد که اهانت، تحقیر، سرزنشگری، خشم و پرخاشگری، به‌عنوان روابط بد و مستبدانه از نظر اسلام، الگوهای ارتباطی مناسبی نیستند و در مقابل آن، مهرورزی، سازگاری، مداراوری الگوهای ارتباطی مناسب می‌باشند. چنان‌که پژوهش‌های ستیر (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۱۳۹۳، ص ۱۹۳-۲۰۵؛ گاتمن و کراف، ۱۹۸۹؛ گاتمن ۱۹۹۳؛ گاتمن و همکاران، ۱۹۹۸؛ گاتمن و لونسون ۲۰۰۰؛ گاتمن، ۲۰۱۴؛ کریستینسن و سالووی و زیمر، ۱۹۸۳) به آن اشاره داشته‌اند.

یافته دیگری که براساس این پژوهش، براساس تحلیل عاملی مرتبه دوم به دست آمد و یافته‌های کیفی پژوهش را نیز مورد تأیید قرار داد، کشف دو نوع الگوی ارتباطی پایدار و کارآمد، در روابط همسران براساس منابع اسلامی است. از نظر اسلام، پایداری ازدواج یک امر ارزشمند است؛ زیرا تزلزل ازدواج را با خشم خداوند پیوند داده است (حرعاملی، ۱۹۹۱م، ج ۲۲، ص ۸). همچنین توصیه‌های مکرری که اسلام درباره روابط همسران مطرح کرده است، نشان از ارتقا و کارآمدی پیوند زوجین دارد. از این رو می‌توان به دو عنصر مهم از نظر منابع اسلامی، در روابط زوجین اشاره کرد که همان پایداری و کارآمدی ازدواج است. این یافته، با یافته‌های پژوهش کریستینسن و سالووی (۱۹۸۸) و کریستینسن و شنک (۱۹۹۱) و *الدردیج و باکوم* (۲۰۱۲) و *کاجولین* (۲۰۰۲) همخوانی دارد؛ زیرا در این پژوهش‌ها، الگوهای توقع / کناره‌گیری، اجتنابی، به‌عنوان الگوهای ناکارآمد شمرده شده و الگوهای حمله - دفاع، خصومت، خشم و پرخاشگری، به‌عنوان الگوهای ناپایدار و پیش‌بینی‌کننده طلاق زود هنگام، در ۵ سال اول زندگی شمرده می‌شود. درحالی‌که الگوهای کناره‌گیری مانند قهر، نفرت، پیش‌بینی‌کننده طلاق دیر هنگام است (گاتمن و درایور، ۲۰۰۵).

یافته‌های این پژوهش نشان داد که الگوهای ارتباطی پایدار برای زنان شامل جذابیت، رابطه جنسی، سازگاری، وفاداری، و برای مردان پرهیز از استبدادورزی، پرهیز از ارتباط بد و دوستداری همسر است و الگوهای ارتباطی کارآمد برای مردان شامل مهرورزی، معاشرت نیک و مداراوری و مشارکت و برای زنان شامل اولویت‌بخشی به حقوق همسر و مسئولیت‌پذیری و همدلی است. این پرسش‌نامه، با پرسش‌نامه کارآمدی خانواده صفورایی (۱۳۸۸)، از جهت اینکه برخی از گویه‌های آن شبیه هم هستند، مانند تحقیر نمودن، اهانت کردن، بخشش، مدارا ورزیدن، عمل کردن به وعده، همسویی دارد. از آنجاکه چون پرسش‌نامه کارآمدی، اختصاص به روابط زوجین ندارد و گویه‌های آن نیز اختصاص به ارتباط ندارد و برای تمامی اعضای خانواده، با جنسیت‌های متفاوت تدوین شده است، این پرسش‌نامه با پرسش‌نامه کارآمدی ناهمسو است. همچنین این پرسش‌نامه، با پرسش‌نامه رضایت زناشویی جدیری و جانبزرگی (۱۳۸۸) از یک جهت همسو است؛ زیرا هر دو پرسش‌نامه مختص زوجین است، ولی به دلیل اینکه هدف از پرسش‌نامه رضایت زناشویی، سنجش رضایت همسران در موضوعات مختلف نیز بوده است، به ابعاد مختلفی از نظام همسران پرداخته است و رضایت را مختص به ارتباط در نظر نگرفته است. از این‌رو گویه‌هایی در آن مطرح شده که اعم از ارتباطات همسران است و از سنجش الگوهای ارتباطی در روابط همسران فاصله گرفته است. همچنین پرسش‌نامه رضایت زناشویی، به طور مشترک برای زوجین تدوین شده و تفاوت‌های جنسیتی در آن ملاحظه نشده است. بین این پرسش‌نامه با پرسش‌نامه باورهای منطقی زوجین براساس منابع اسلامی (صادقی سرشت و همکاران، ۱۳۹۴) از نظر برخی مؤلفه‌های موجود در هر دو پرسش‌نامه، مانند بخشش، صبوری، مهرورزی، اطاعت‌پذیری و از نظر اینکه هر دو اختصاص به زوجین دارد، همسو است. ولی چون هدف پرسش‌نامه باورهای منطقی، سنجش باورهای منطقی زوجین است، به الگوهای ارتباطی بین زوجین اشاره‌ای ندارد. از سوی دیگر، پرسش‌نامه موجود برای هر دو زن و شوهر، به طور مشترک تدوین شده است. از این‌رو بین این دو پرسش‌نامه ناهمسویی وجود دارد.

بنابراین، از مقایسه بین این پرسش‌نامه، با سایر پرسش‌نامه‌هایی که با نگرش به منابع اسلامی تدوین شده است، می‌توان نتیجه گرفت که این پرسش‌نامه‌ها، چون از منابع اسلامی برخاسته هستند، در روابط زوجین مفاهیم یا گویه‌های مشترکی دارند، ولی به دلیل اینکه هر یک هدفی را برای سنجش نظام زوجین یا خانواده دارد، از این جهت تفاوت‌های محتوایی و ساختاری جدی دارند. بنابراین، اینکه از جهت‌هایی با هم شبیه هستند، می‌توان آن را به‌عنوان مؤیدی دانست که منابع اسلامی، در خصوص نظام زوجین به یک سلسله مفاهیم مشترک اشاره دارند که می‌تواند از زوایای گوناگون مورد سنجش و ارزیابی قرار گیرد. یکی دیگر از تفاوت‌های بین این پرسش‌نامه با پرسش‌نامه‌های مزبور، توجه این پرسش‌نامه به تفاوت‌های جنسیتی زوجین است؛ چیزی که در سایر پرسش‌نامه‌ها دیده نشده است. به نظر می‌رسد، با توجه به یافته‌های این حاضر و تأیید پژوهش‌های گاتمن و درایور (۲۰۰۵)، کریستینس و هیوی (۱۹۹۰) و شناگویی‌زاده (۱۳۹۲)، نوع روابط زوجین با همدیگر از نظر جنسیتی متفاوت است و باید برای سنجش روابط زوجین، به تفاوت‌های جنسیتی آنها نیز توجه کرد.

یکی دیگر از یافته‌های این پژوهش، همبستگی بین عوامل هفت گانه فرم‌های زنان و مردان است. براساس یافته‌های بخش کیفی و کمی این پژوهش، بین مدارا و سازگاری، دوستداری و رابطه جنسی، پرهیز از استبداد و وفاداری، پرهیز از استبداد و مسئولیت‌پذیری، پرهیز از ارتباط بد و جذابیت، معاشرت نیک و همدلی، مهرورزی و اولویت‌بخشی به حقوق شوهر و مشارکت در امور معنوی و مادی و اولویت‌بخشی به حقوق شوهر، همبستگی وجود دارد. از این رو می‌توان با توجه به مکمل بودن روابط زوجین با همدیگر، براساس آیه شریفه «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم: ۲۱)، که زن و شوهر مایه سکونت همدیگر هستند. و در صورتی که هر دو در برقراری روابط با همدیگر، روابط خویش را براساس مکملیت تنظیم کنند، هر دو نسبت به رابطه با همدیگر رضایت پیدا نموده به آرامش و سکونت می‌رسند، مطرح کرد که ترکیب هریک از مؤلفه‌های همبسته در فرم‌های زنان و مردان، یک قطب تشکیل می‌دهد و در صورتی که هریک از این قطب‌ها، در روابط زوجین محقق شود، آن‌گاه سکونت در روابط آنها محقق خواهد شد.

این پرسش‌نامه، می‌تواند برای فعالیتهای حرفه‌ای مانند آسیب‌شناسی روابط همسران و انجام مداخلات مرتبط و فعالیتهای پژوهشی برای پژوهشگران به کار رود. به کارگیری این پرسش‌نامه چه برای فعالیتهای حرفه‌ای و یا پژوهشی نسبت به پرسش‌نامه‌های مشابه آن، امتیازاتی دارد. از جمله با توجه به جنسیت زوجین، الگوهای ارتباطی آنان را رصد می‌کند و مبتنی بر منابع اسلامی و فرهنگ بومی ایرانی، ساخته شده است.

دسترسی به زوجین کار آسانی نیست، چنان‌که همکاری هر دو زوج، در پاسخ دادن به پرسش‌نامه‌ها یا مداخلات زوج‌درمانی محدود است، بنابراین این پژوهش نیز مشمول این محدودیت شد. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده، این پرسش‌نامه در جامعه‌های آماری دیگر مورد آزمون قرار داد تا اعتبار پرسش‌نامه مورد دقت بیشتری قرار گیرد. همچنین پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های آینده، قطب‌های مکمل را در روابط زوجین مورد بررسی بیشتری قرار دهند، به گونه‌ای که بتوانند سهم هریک از زوجین را با توجه به جنسیت‌شان در قطب مزبور تعیین کند. این مسئله، می‌تواند برخی از آسیب‌هایی را که از ناحیه زوجین وارد می‌شود، را شناسایی نموده، کنترل کرده و یا برای ارتقا روابط آنها، پیشنهادات کاربردی داشته باشد.

منابع

- ابن شعبه حرانی، محمدبن حسن، ۱۳۶۲، *تحف العقول*، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه اسلامی.
- اعتمادی، عدرا و همکاران، ۱۳۹۳، «بررسی رابطه مهارت‌های ارتباطی، الگوهای ارتباطی و سبک‌های حل تعارض با صمیمیت زناشویی در زنان شهر اصفهان»، *زن و جامعه*، ش ۱۷(۵)، ص ۶۳-۷۴.
- پسندیده، عباس، ۱۳۹۳، *رضایت زناشویی*، قم، دارالحدیث.
- ثناگویی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰، «رابطه الگوهای ارتباطی زوجین با رضامندی زناشویی»، *مطالعات اسلام و روانشناسی*، ش ۹، ص ۸۷-۵۷.
- ثناگویی‌زاده، محمد، ۱۳۹۲، «رابطه الگوهای ارتباطی زنان و مردان با توجه به پایبندی مذهبی و رضامندی زناشویی در روابط زوجین»، *روان‌شناسی و دین*، ش ۱۶(۱)، ص ۹۱-۱۰۹.
- جدیری، جعفر و مسعود جان‌بزرگی، ۱۳۸۸، «ساخت و اعتباریابی مقیاس رضامندی زناشویی اسلامی»، *روان‌شناسی و دین*، ش ۸، ص ۴۱-۷۰.
- جعفریان، رسول و مهدی مهریزی، *موسوعة المرأة فی الاخبار و الآثار*، تهران، علم.
- حاجی‌زاده، ابراهیم و محمد اصغری، ۱۳۹۴، *روش‌های و تحلیل‌های آماری با نگاه به روش تحقیق در علوم زیستی و بهداشتی*، تهران، جهاد دانشگاهی.
- حرعاملی، محمدبن حسن، ۱۹۹۱م، *وسائل الشیعه*، تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- حمید، نجمه و همکاران، ۱۳۹۷، «تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی و حل مسئله مذهب‌محور بر رضایت زناشویی زنان در آستانه طلاق»، *مطالعات زن و خانواده*، ش (۱) ۶ ص ۱۷۷-۱۹۵.
- شاملی، لیلیا و مهسا سیار، ۱۳۹۳، «بررسی ارتباط الگوهای ارتباطی و میزان افسردگی زنان شهر آبدان»، در: *اولین کنگره ملی روان‌شناسی خانواده گامی در ترسیم الگوی مطلوب خانواده*.
- صادقی سرشت، علی و همکاران، ۱۳۹۴، «ساخت و اعتباریابی آزمون اولیه باورهای منطقی زوجین براساس منابع اسلامی»، *روان‌شناسی و دین*، ش ۴(۸)، ص ۲۲-۵.
- صدوق، محمدبن علی، ۱۴۱۳ق، *من لایحضره الفقیه*، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
- صفورایی پاریزی، محمدمهدی، ۱۳۸۸، «ساخت و اعتباریابی سنجش کارآمدی خانواده از دیدگاه اسلام»، *روان‌شناسی و دین*، ش ۵ ص ۸۵-۱۰۸.
- عبدخدایی، هادی، ۱۴۲۹ق، *الأسرة فی رحاب القرآن والسنة*، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیه.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۱ق، *الکافی*، تحقیق علی اکبر غفاری، بیروت، دار الصب و دار التعارف.
- کراچکی طرابلسی، محمدبن حسن، ۱۴۱۰ق، *کنزالفوائد*، تصحیح عبدالله نعمه، قم، دارالذخائر.
- گلدنبرگ، ایرنه و هربرت گلدنبرگ، ۱۳۹۳، *خانواده‌درمانی*، ترجمه حمیدرضا حسین‌شاهی پرواتی و همکاران، تهران، روان.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۹۸۳م، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء.
- محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۳۹۰، *تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث*، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث.
- نوری طبرسی، میرزا حسین، ۱۴۰۷ق، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم، مؤسسه آل‌البیته.
- Braun, M., et al, 2010, "Toward a better understanding of psychological well-being in dementia caregivers: the link between marital communication and depression", *Family process*, n. 49(2), p 185-203.
- Carr, A, 2012, *Family therapy: Concepts, process and practice*, John Wiley & Sons.
- Caughlin, J. P. , 2002, "The demand/withdraw pattern of communication as a predictor of marital satisfaction over time", *Human Communication Research*, N. 28(1), p. 49-85.
- Christensen, A. & Sullaway, M. , 1983, "Assessment of Dysfunctional Interaction Patterns in Couples", *Journal of Marriage and The Family*, N. 45, p. 653-660.
- Christensen, A., & Heavey, C. L., 1990, "Gender and social structure in the demand/withdraw pattern of marital conflict", *Journal of personality and social psychology*, N. 59(1), p. 73- 81.
- Christensen, A., & Shenk, J. L., 1991, "Communication, conflict, and psychological distance in nondistressed, clinic, and divorcing couples", *Journal of consulting and clinical psychology*, N. 59(3), p. 458-463.
- Cornelius, et al., 2010, "Self-reported communication variables and dating violence: Using Gottman's marital communication conceptualization", *Journal of Family Violence*, N. 25(4), p. 439-448.

- Dowd, E. T. , 2006, *The psychologies in religion: Working with the religious client*, Springer Publishing Company.
- Dwairy, M. A. , 2006, *Counseling and psychotherapy with Arabs and Muslims: A culturally sensitive approach*, Teachers College Press.
- Eldridge, K. A., & Baucom, B, 2012, Demand-withdraw communication in couples: Recent developments and future directions, in P. Noller & G. C. Karantzas (eds.), *The Wiley-Blackwell handbook of couples and family relationships*, (pp. 144–158), Wiley Blackwell.
- Feeney, J. A, 1994, "Attachment style, communication patterns, and satisfaction across the life cycle of marriage", *Personal Relationships*, N. 1(4), p. 333-348.
- Fournier, B., et al., 2011, "Adult attachment and male aggression in couple relationships: The demand-withdraw communication pattern and relationship satisfaction as mediators", *Journal of interpersonal violence*, N. 26(10), p. 1982-2003.
- Fowers, B. J., et al, 1996, "Predicting marital success for premarital couple types based on PREPARE", *Journal of Marital and Family Therapy*, N. 22(1), p. 103-119.
- Gallagher-Thompson, , et al., 2001, "A comparison of marital interaction patterns between couples in which the husband does or does not have Alzheimer's disease", *The Journals of Gerontology Series B: Psychological Sciences and Social Sciences*, N. 56(3), p. 140-150.
- Goldenberg, H., & Goldenberg, I. , 2012, *Family therapy: An overview*, Cengage Learning.
- Gottman, J. M. , 1993, "The roles of conflict engagement, escalation, and avoidance in marital interaction: a longitudinal view of five types of couples", *Journal of consulting and clinical psychology*, N. 61(1), p. 6- 15.
- Gottman, J. M., & Driver, J. L., 2005, "Dysfunctional marital conflict and everyday marital interaction". *Journal of Divorce & Remarriage*, N. 43(3-4), p. 63-77.
- Gottman, J. M., & Krokoff, L. J., 1989, "Marital interaction and satisfaction: a longitudinal view", *Journal of consulting and clinical psychology*, N. 57(1), p. 47-52.
- Gottman, J. M., & Levenson, R. W. , 2000, "The timing of divorce: Predicting when a couple will divorce over a 14-year period", *Journal of Marriage and Family*, N. 62(3), p. 737-745.
- Gottman, J. M., 2014, *What predicts divorce? The relationship between marital processes and marital outcomes*, Psychology Press.
- Gottman, J. M., et al., 1998, "Predicting marital happiness and stability from newlywed interactions". *Journal of Marriage and the Family*, N. 1, p. 5-22.
- Hamidi, F., et al., 2010, "Couple therapy: forgiveness as an Islamic approach in counseling". *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, n. 5, p. 1625-1630.
- Katz, L. F., & Gottman, J. M., 1993, "Patterns of marital conflict predict children's internalizing and externalizing behaviors", *Developmental Psychology*, N. 29(6), p. 940-950.
- Ledermann, T., et al., 2010, "Stress, communication, and marital quality in couples", *Family Relations*, N. 59(2), p. 195-206.
- Schmaling, K. B., & Jacobson, N. S. ,1988, "Recent developments in family behavioral marital therapy", *Contemporary family therapy*, N. 10(1), p. 17-29.
- Schmitt, M., et al., 2007, "Marital interaction in middle and old age: A predictor of marital satisfaction?", *The International Journal of Aging and Human Development*, n. 65(4), p 283-300.
- Stuart, R. B., 1969, "Operant-interpersonal treatment for marital discord", *Journal of consulting and clinical psychology*, N. 33(6), p. 675-682.
- Sullaway, M., & Christensen, A. , 1983, "Assessment of dysfunctional interaction patterns in couples". *Journal of Marriage and the Family*, n. 3, p. 653-660.
- Weger Jr, H., 2005, "Disconfirming communication and self-verification in marriage: Associations among the demand/withdraw interaction pattern, feeling understood, and marital satisfaction", *Journal of Social and Personal Relationships*, N. 22(1), p. 19_31.
- Zimmer, D, 1983, "Interaction patterns and communication skills in sexually distressed, maritally distressed, and normal couples: Two experimental studies", *Journal of sex & marital therapy*, N. 9(4), p. 251-265.